

دانشگاه فرهنگیان
دوفصلنامه علمی
نظریه و عمل در تربیت معلمان
سال نهم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

روایت پژوهی آثار اجتماعی مشارکت ملی مدیریت بحران کرونا بر دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان (با رویکرد پدیدارشناختی)^۱

شهناز ولی پور هفشجانی^۲

چکیده

هدف مقاله حاضر روایت پژوهی آثار اجتماعی مشارکت مردمی مدیریت بحران کرونا بر دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناختی با استفاده از روش ون منن انجام شد. جامعه مورد مطالعه ۶۳ نفر از دانشجومعلمان دختر و پسر ممتاز و سرآمد دوره کارشناسی دانشگاه فرهنگیان به انتخاب استادان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود. ابزار پژوهش پرسش نامه بازپاسخ بوده و داده‌ها پس از بررسی ۳۷ پاسخ نامه به اشباع رسید. نتایج پژوهش بیانگر تأثیرات اجتماعی قابل توجه مشارکت مردمی رویارویی با بحران کرونا بر دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان بود. این تأثیرات را می‌توان در دو دسته تغییرات نگرشی و تغییرات عملکردی تقسیم نمود. از مضامین یافته شده در تغییرات نگرشی تغییر دیدگاه در زمینه اهمیت کمک کردن و میزان تأثیر حمایت‌های اجتماعی، ارتباط

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی ای است که با استفاده از حمایت مالی دانشگاه فرهنگیان انجام شده است

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۵

۲. استادیار گروه آموزشی آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

sh.valipour@cfu.ac.ir

سلامت فردی با سلامت اجتماعی، شناخت اهمیت همدلی و انسجام اجتماعی، رشد ملی‌گرایی و حس تعلق به وطن، قانون‌گرایی و باور به توانمندی‌های جوانان است. همچنین در حوزه تغییرات نگرشی، شرکت‌کنندگان این پویش را مورد قضاوت و ارزشیابی قرار دادند؛ مضامین استخراجی این بخش عبارت‌اند از: لزوم همدلی و همراهی ملت و دولت، لزوم آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی و لزوم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی‌های قبلی. شرکت‌کنندگان در هر سه مورد از عملکرد دولت وقت انتقاد کردند. در حوزه عملکرد اجتماعی نیز داده‌ها نشان‌دهنده همراهی گسترده آنان با این حرکت مردمی بود. از دیگر مضامین استخراج شده رضایت شرکت‌کنندگان از انسجام اجتماعی کل اقشار و اقوام جامعه ایرانی در رویارویی با این بحران بود.

کلید واژه‌ها: روایت‌پژوهی، آثار اجتماعی، ون منن، دانش‌جو معلم، مشارکت مردمی، کرونا

۱- مقدمه

جوامع امروزی به سبب تغییر و تحولات گسترده، با مشکلات و چالش‌های متعدد روبرو هستند. یکی از این مشکلات، بحران‌های فراگیر جدید است. برخی از بحران‌ها به سبب ارتباطات وسیع به‌راحتی از جامعه‌ای به جامعه دیگر منتقل می‌شوند و جوامع مختلف را به چالش می‌کشند. از این رو رویارویی با این بحران‌های فراگیر، گاهی بسیار دشوار و پیچیده می‌شود.

بحران جهانی کرونا از جمله بحران‌های بزرگ قرن اخیر بوده است که جنبه‌های مختلف زندگی فردی و جمعی را در حوزه‌های مختلف دچار تغییرات و تحولات چشمگیری کرده است. پاندمی کرونا تأثیر مخربی بر تمام ابعاد سلامت فردی روانی اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه داشته به‌طوری‌که نه تنها زندگی کلی انسان‌ها را به خطر انداخته؛ بلکه حتی زندگی روزانه آنها را بسیار سخت و دشوار ساخته است. شدت این بیماری و عوارض ناشناخته آن منجر به ایجاد استرس فراوان و برهم‌زدن سلامت روان انسان‌ها در قرن حاضر شده (فیوریلو، ۲۰۲۰ و ففریام، ۲۰۲۰).

بیماری کرونا دارای جنبه‌های مختلفی است. یکی از این جنبه‌ها جنبه فیزیولوژیکی آن است و همچنین این بیماری دارای تبعات نرم و جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و غیره است (نعمت الهی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۹۸). در

این راستا باریوس و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که بحران‌هایی مانند کرونا که در جامعه به وجود می‌آید می‌تواند بر سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی و غیره گروه‌های مختلف و میزان اعتماد سیاسی آنها اثرگذار باشد. هر چند در بعضی کشورها کروناویروس پیامدهایی مانند از بین رفتن سلامت به‌ویژه سلامت اجتماعی با ابعادی همانند انسجام اجتماعی مشارکت و اعتماد اجتماعی داشته است (موزکی، ۲۰۲۰، باریوس، ۲۰۲۱)، می‌توان گفت این بحران علاوه بر مشکلات و چالش‌هایی که برای جوامع مختلف در سراسر دنیا ایجاد کرد، فرصت‌های زیادی نیز برای رشد شیوه‌های جدید در آموزش، تجارت، ارتباطات، و... ایجاد نمود. همچنین به لحاظ اجتماعی، مشارکت و همدلی افراد جامعه و ارائه انواع حمایت‌های اجتماعی از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد، در بعضی کشورها موجب افزایش وفاق و همبستگی اجتماعی در آن جوامع گردید.

در ایران بحران کرونا منجر به شکل‌گیری جبهه‌های مردمی مقابله با کرونا در کشور شد در این فرایند حضور گسترده تشکل‌های مردمی منجر به مدیریت مؤثرتر بحران و همچنین کاهش قابل توجه ضعف و آسیب‌های نهادهای دولتی و حاکمیتی گردید. بسیج ظرفیت عظیمی از منابع مردمی اعم از انسانی، مالی و غیرمادی موجب شد که شاهد مدیریت کارآمد بحران باشیم (ظفری و ولی‌پور، ۱۴۰۰: ۲۵۰).

بررسی تجربه زیسته کسانی که شاهد این حرکت بزرگ مردمی بوده‌اند؛ یکی از روش‌هایی است که می‌تواند میزان اثرگذاری مشارکت ملی مدیریت بحران و همچنین تأثیرات اجتماعی این پدیده را خصوصاً بر نسل‌های جوان‌تر آشکار کند. در نگاهی کلی‌تر بررسی مشاهدات و تجربه زیسته اقشار و طیف‌های مختلف، از مشارکت مردمی در شرایط بحران کرونا، می‌تواند ضمن توسعه درک و شناخت ما نسبت به ساختار تجربه افراد، همچنین به‌عنوان الگو و طرحی برای رویارویی با بحران‌های مشابه به کار رود. همچنین مشارکت ملی رویارویی با بحران کرونا به لحاظ مطالعاتی می‌تواند زمینه خوبی برای بررسی ساختار مدیریت بحران مردم‌نهاد، آسیب‌شناسی آن، مشخص کردن نقاط قوت و کاستی‌ها و محدودیت‌های آن باشد. در نگاهی جزئی‌تر بررسی تجربه زیسته دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان معلمان آینده می‌تواند تأثیرات اجتماعی مشارکت‌های وسیع مردمی را بر ساختار تجربه این گروه که در رشد

و تربیت نسل‌های آینده جامعه نقش خاصی دارند، نشان دهد. در این پژوهش آثار اجتماعی مشارکت مردمی در شرایط شیوع کرونا در کشور بر دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان بر اساس تجربیات زیسته آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۱. پیشینه

در زمینه تجارب زیسته دانشجویان و دیگر اقشار در رویارویی با پدیده جهانی کرونا اخیراً تحقیقاتی در کشور انجام شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

خلیلی، اناری نژاد و رنجبر (۱۴۰۰) تجربه زیسته دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان در ایام کرونا را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نمایانگر شش مضمون کلی شامل: شیوه‌های تدریس، برگزاری کلاس‌ها و امتحانات، تکالیف، برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، سواد رسانه‌ای و طرز فکر و روابط اجتماعی، بود. بر اساس نتایج حاصله، دانشجومعلمان از شیوه تدریس و برگزاری کلاس‌ها و حضور در برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی در این دوران رضایت کافی نداشته‌اند. از سوی دیگر، دانشجومعلمان دوره کرونا را فرصتی برای آشنایی و تقویت بیشتر خود در حوزه سواد رایانه‌ای دیده‌اند و در بخش طرز فکر و روابط اجتماعی، دلتنگ شرایط حضوری و تعامل با سایرین بوده‌اند. عینی، عبادی و ترابی (۱۳۹۹) در مقاله «تدوین مدل اضطراب کرونا در دانشجویان بر اساس خوش‌بینی و تاب‌آوری نقش میانجی حمایت اجتماعی ادراک شده»، به این نتیجه رسیده‌اند که خوش‌بینی تاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک شده، نقش مهمی در کاهش اضطراب کرونای دانشجویان ایفا می‌کند.

خدابخشی کولایی (۱۳۹۹) در مقاله «زندگی در قرنطینه خانگی، واکاوی تجارب روان‌شناختی دانشجویان در همه‌گیری کووید ۱۹»، تجربیات زیسته ۱۵ نفر از دانشجویان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به چهار مضمون اصلی دست یافته که عبارت‌اند از رشد احساسات منفی سردرگمی و بدبینی، رشد وسواس‌های فکری عملی پیرامون بدن و شست‌وشو، دغدغه‌های فکری پیرامون به‌خطرافتادن سلامت خانواده، دغدغه‌های اقتصادی و ترس از فردای خلاصی کرونا.

و اما تحقیقی که مشتمل بر بررسی روایت‌پژوهی رویارویی با بحران و تجربه گذراندن بحران‌هایی که به وسعت کرونا باشد، مشاهده نشد. تنها موردی که تا حدودی به زمینه بحث مرتبط است؛ پژوهشی است که حیدری ساربان (۱۳۹۴) در مقاله

«بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه ساکنان محلی در شهرستان ورزقان» انجام داده است. نتایج نشان داده که انسجام اجتماعی با تقویت همزیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی، تقویت ارتباطات اجتماعی و تسهیم دانش، تقویت خودارزشمندی و مداخله‌گری اجتماعی و تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی، در مدیریت مناسب بحران زلزله ارتباط دارد.

در زمینه تأثیر مشارکت اجتماعی در رویارویی با کووید ۱۹ همچنین نوع مدیریت و کنترل آن در جوامع مختلف نیز تحقیقاتی انجام شده است. یانگ و همکارانش (۲۰۲۰) موضوع تاب‌آوری، حمایت اجتماعی و مقابله به‌عنوان واسطه میان تجربیات استرس‌زای مربوط به کووید ۱۹ و استرس حاد دانشجویان دانشگاه چین را بررسی کردند. تحقیق آنان نشان داد که انعطاف‌پذیری، توانایی سازگاری و نقش حمایتی مدرسه و خانواده، حائز اهمیت است.

یو و همکاران (۲۰۲۰) به تحقیق در زمینه میزان تأثیر حمایت اجتماعی بر مقابله با مشکلات روان‌شناختی ناشی از کرونا پرداختند. نتیجه تحقیق نشان داده که استراتژی‌های مقابله فعال و افزایش حمایت اجتماعی به طور معنی‌داری با کاهش پریشانی روان‌شناختی در ارتباط بوده است.

لی و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله «دانش عمومی، شدت درک شده و قابل‌کنترل بودن کووید ۱۹ و ارتباط آنها با واکنش‌های عاطفی و رفتاری مشارکت اجتماعی و رفتار پیشگیرانه»، به این نتایج رسیدند که مردم در رویدادهای مربوط به کووید ۱۹ مشارکت محدود داشته‌اند؛ اما به طور فعال درگیر رفتارهای احتیاطی بوده‌اند.

یو و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله «پاسخگویی به کووید ۱۹ با سازمان‌های جامعه‌محور: درس‌هایی از استان ژجیانگ چین» نشان داده‌اند که در این استان چگونه با استفاده از چهار استراتژی، نمونه‌ای از مدیریت خوب و مشارکت اجتماعی در برخورد با کووید ۱۹ ارائه شده است.

مون (۲۰۲۰) به بررسی چگونگی مدیریت همه‌گیری دولت کره جنوبی با اقدامات انعطاف‌پذیر و شفاف برای کاهش موج کووید ۱۹ و چالش‌های جنجالی ناشی از همه‌گیری آن پرداخته است. یافته‌ها نشان داده رویکرد انعطاف‌پذیر و سیاست شفافیت در مورد خطر برقراری ارتباط و همکاری داوطلبانه شهروندان، از عوامل حیاتی کنترل همه‌گیری بوده است.

کریستنسن و لاگرید (۲۰۲۰) به بررسی مقایسه عملکرد دولت نروژ در مقابله با بحران کووید ۱۹ پرداخته. نتایج نشان داده وجود سیاستمداران ذیصلاح، اعتماد بالای جامعه، دیوانسالاری قابل اعتماد و حرفه‌ای، قدرت و وضعیت اقتصادی خوب، رفاه و تراکم کم جمعیت، از دلایل موفقیت نروژ در زمینه کنترل کووید ۱۹ بوده است. شاوا، کیمب، هیوا (۲۰۲۰) رفتارهای برخی از کشورهای آسیای شرقی از جمله چین، ژاپن و کره جنوبی را در رویارویی با کووید ۱۹ تحلیل کرده‌اند. نتایج نشان داده چند تصمیم حاکمیتی در این کشورها، همراه با همبستگی قوی جامعه و نوع رفتار جامعه، تفاوت زیادی در کنترل کووید ۱۹ ایجاد کرده است.

چنان که بررسی تحقیقات گذشته نشان می‌دهد پژوهشی که به آثار اجتماعی مشارکت مردمی مدیریت بحران کرونا بر اقبال مختلف از منظر تجربه زیسته آنان پرداخته باشد دیده نشد؛ بنابراین این موضوع از نظر روش پژوهش، جامعه آماری و رویکرد اجتماعی تربیتی آن کاری کاملاً جدید است.

بحران، رویداد یا واقعه ناگهانی تلقی می‌شود که با آسیب‌های جانی - مالی و عدم تعادل گسترده و اختلال جدی همراه باشد (ژرارد، ۲۰۰۶). بحران‌های بزرگ و فراگیر بر زندگی جوامع تأثیری انکارناپذیر دارند. انواع رویکردها و الگوهای مدیریت بحران در کشورهای مختلف در یک تقسیم‌بندی کلی، در قالب دو گروه سنتی و جامعه‌محور تقسیم می‌شوند. رویکرد سنتی بر مقابله و بازسازی تأکید دارد و هیچ جایگاهی برای اثربخش‌ترین گروه‌های موجود در مدیریت بحران؛ یعنی اجتماعات محلی قائل نشده است. در این رویکرد برنامه‌ریزی، خط‌مشی‌گذاری، هماهنگی، کنترل و سازماندهی در همه مراحل مدیریت بحران، از سوی سازمان‌های دولتی انجام می‌شود و چنانچه نقشی برای اجتماعات محلی در نظر گرفته شود؛ نقشی انفعالی و حاشیه‌ای خواهد بود (تریر، ۲۰۱۸). در رویکرد جامعه‌محور تلاش می‌شود افراد و گروه‌های فعال و تأثیرگذار جوامع به فعالیت و ایفای نقش، در تمامی مراحل چرخه مدیریت بحران فراخوانده شوند (فالك، ۲۰۱۳). در این رویکرد نگاه مدیریتی بر استفاده از سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت‌های مردمی است.

در واقع یکی از حیاتی‌ترین مفاهیمی که در شرایط بحران می‌تواند ضامن بازگشت به شرایط عادی باشد، مفهوم «سرمایه اجتماعی» است (ویلسون، ۲۰۱۳ دیو،

(۲۰۲۱). سرمایه اجتماعی موجب انسجام انسان‌ها با یکدیگر و همچنین سازمان‌ها می‌شود. جامعه‌ای که دارای سرمایه اجتماعی نباشد، نمی‌تواند به‌خوبی از سایر سرمایه‌های خود نیز استفاده کند و عملاً امکان توسعه و پیشرفت فرهنگی و اقتصادی آن محدود می‌شود. به‌زعم پاتنام^۱ جنبه‌هایی از سرمایه اجتماعی از قبیل: هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد متقابل است که همیاری و هماهنگی افراد را برای دستیابی به منافع مشترک تسهیل می‌کند و رعایت داوطلبانه آن از سوی مردم، کارکردی در جهت کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی دارد (پاتنام، ۱۹۹۱). فوکویاما^۲ از دیگر صاحب‌نظران، سرمایه اجتماعی را که بعد اجتماعی دارد، به وضعیت فرهنگی جوامع مدرن مربوط کرده است. به نظر او در کشورهای مدرن سطوح بالای قابلیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۴).

مشارکت در معنای تخصصی و جدید، از نیمه دوم قرن بیستم در حوزه علوم اجتماعی وارد شده است و منظور از آن شرایطی است که مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه دخالت آگاهانه و واقعی داشته باشند (موسایی و شیانی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). مشارکت اجتماعی در برگیرنده انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی، به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرنهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در سه سطح ذهنی و عینی و روحیه مشارکتی مطرح باشد. بعد ذهنی مشارکت، همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در فرد ایجاد می‌شود. بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به‌صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند؛ همان پیوند عینی افراد است و روحیه مشارکت عبارت است از متقاعد به درگیر شدن همگان در مشارکت (رحمان، ۱۹۹۳).

مشارکت سبب می‌شود برنامه‌ها کامل‌تر و با هزینه کمتری اجرا شود و از سوی دیگر با افزایش نقش مردم، انگیزه و ارزش درونی آنان تقویت شده و احساس مسئولیت اجتماعی نیز افزوده می‌شود.

1. Robert D. Putnam

2. Yoshihiro Francis Fukuyama

مشارکت‌های اجتماعی در شرایط بحران، جوی از همدلی و صمیمیت و حمایت اجتماعی ایجاد می‌کند و حمایت اجتماعی معمولاً مهم‌ترین عامل برای گذار موفقیت‌آمیز افراد، از شرایط تنش‌زا و وضعیت بحرانی شمرده می‌شود که «شامل حمایت عاطفی، اطلاعاتی و ابزاری است؛ حمایت عاطفی شامل عشق‌ورزیدن و دوست‌داشتن، احترام‌گذشتن و پذیرفتن، می‌شود. حمایت اطلاعاتی زمانی است که به فرد در رابطه با رویداد استرس‌زا، اطلاعات داده می‌شود و حمایت مادی شامل کمک مالی کالایی و غیره است» (رمضانلو و درتاج، ۱۳۹۵: ۶۲). هاوس و همکارانش اعتقاد دارند که حمایت اجتماعی به سه طریق در برخورد با تنش، به فرد کمک می‌کند: ۱- اعضای خانواده و سایر افراد می‌توانند مستقیماً حمایت ملموس را به شکل منابع مادی در اختیار شخص قرار دهند. ۲- اعضای شبکه اجتماعی می‌توانند فرد را با پیشنهاد اقدامات متنوعی از حمایت اطلاعاتی خود برخوردار سازد و این اقدامات متنوع می‌تواند به حل مشکلی کمک کند که موجب تنش شده است... ۳- شبکه اجتماعی، افراد می‌توانند با اطمینان‌بخشی دوباره به فرد در خصوص این که او شخصی موردعلاقه با ارزش و محترم است از وی حمایت عاطفی به عمل آورند. (آقابخشی و راشدی، ۱۳۹۳: ۱۰).

همدلی نیز به‌عنوان جزئی از حمایت اجتماعی، می‌تواند به افراد جامعه، خصوصاً کسانی که از بحران آسیب بیشتری دیده‌اند، کمک کند تا بر تنش‌های موجود فایز آیند. همچنین همدلی فرایندی است که حکایت از حس مشترک و رابطه عمیق انسان‌ها با یکدیگر دارد که خود لازمه رابطه‌ای سالم با انسان‌هاست (ساروخانی، ۱۳۷۵).

مشارکت‌های غیررسمی در جامعه ایرانی سابقه‌ای دیرینه دارد و همیشه بر مشارکت‌های رسمی و نهادمند برتری داشته است. برگزاری مراسم مذهبی در ماه‌ها و ایام خاص، ساختن مساجد و حسینیه‌ها، کمک‌های متقابل در عروسی‌ها، جشن‌ها و سوگ‌ها و مشارکت‌های مردمی در قالب بنه و واره را می‌توان به‌عنوان مصداق‌هایی از مشارکت غیررسمی در جامعه ایران برشمرد. (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۰).

مشارکت‌های غیررسمی علاوه بر ایجاد جوّی از همبستگی و اعتماد، همچنین می‌توانند با تأثیرگذاری بر آحاد جامعه در هنجارسازی و نهادینه‌کردن ارزش‌های خاص جامعه نیز نقش داشته باشند. از این‌رو مشارکت‌های مردمی را می‌توان از دیدگاه آثار تربیتی

و نقشی که در تربیت اجتماعی می‌توانند داشته باشند، بررسی کرد. یکی از مصادیق بارز مشارکت اجتماعی در ایران، پویش همدلی و مشارکت ملی برای مدیریت بحران کرونا بود که در اوایل شیوع کرونا در شهرهای مختلف کشور شکل گرفت. در این پژوهش تأثیرات اجتماعی مشارکت و همدلی مردمی در شرایط شیوع کرونا بر دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان از منظر پدیدارشناختی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱,۲. روش و الگوی پژوهش

پژوهش حاضر، با رویکردی پدیدارشناختی، تجربیات زیسته را مورد بررسی قرار داده. تجربه زیسته از واژگان کلیدی در پژوهش‌های پدیدارشناختی است و به معنای تجربه‌ای است که بی‌واسطه و مستقیم است و برای هر فرد می‌تواند معنای خاصی داشته باشد؛ لذا بررسی آن می‌تواند معانی خاص و فردی را مشخص کند. ماکس ون منن^۱ از صاحب‌نظران پدیدارشناسی تفسیری در حوزه تعلیم و تربیت، از جمله محققانی است که روش خاصی در رویکرد پدیدارشناختی ارائه کرده که در این پژوهش به لحاظ روش‌شناختی مبنای کار قرار گرفته است.

ون منن برای انجام پژوهش پدیدارشناختی شش گام پیشنهاد داده است که عبارت‌اند از: روی آوردن به ماهیت تجربه زیسته، بررسی تجربه به صورتی که زیسته شده، تأمل پدیدارشناسانه، بازنویسی، حفظ ارتباط قوی و هدف‌مند و متعادل ساختن بافتار با حفظ ارتباط اجزا با کل (ون منن، ۱۹۹۰). او برای تحلیل داده‌ها و استخراج مضامین اصلی و فرعی، سه خوانش کل‌نگر، جز‌نگر، و خوانش انتخابی را پیشنهاد داده که در این پژوهش هر سه خوانش برای استخراج مضامین اصلی و فرعی ساختار تجربه شرکت‌کنندگان به کار گرفته شده؛ این امر همچنین از سویی به پایایی پژوهش نیز کمک کرده است. چرا که یکی از ملاک‌های پایایی در پژوهش‌های کیفی استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل نمادهاست که به اطمینان از قابلیت انتقال کمک می‌کند (اندریاس^۲، ۲۰۰۳). علاوه بر این برای پایایی نتایج پژوهش، در کنار اجرای دقیق شش گام پیشنهادی منن در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده، از تکنیک‌های

1. Max van Manen

2. Andreas M. Riege

خود بازمی‌بینی محقق^۱ و تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی^۲ بهره گرفته شده است. در همین راستا داده‌ها برای یکی از متخصصان ارسال شد که نتایج تحلیل، مشابهت و همپوشانی هفتاد درصدی با نظرات پژوهشگران را نشان داد.

جامعه آماری پژوهش دانشجومعلمان دوره کارشناسی ورودی ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ دانشگاه فرهنگیان کشور در سال ۱۴۰۰ بوده است. نمونه آماری پژوهش به روش هدف‌مند و با تعیین و انتخاب دانشجومعلمان ممتاز، سرآمد و توانمند به انتخاب اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان کشور، شناسایی و پرسش‌نامه‌های بازپاسخ تجربه زیسته، برای آنان تا اشباع نظری و عدم کسب اطلاعات جدید (۳۷ نفر)، از طریق ایمیل و با تماس‌ها و پیگیری‌های متعدد ارسال و گردآوری شده است.

باتوجه به ماهیت پژوهش که از نوع کیفی و مبتنی بر رویکرد پدیدارشناختی تفسیری بوده است، ابزار گردآوری داده‌ها یک پرسش‌نامه بازپاسخ محقق‌ساخته بود. پژوهشگر باتوجه به هدف‌های پژوهش و مطالعات فراوان، اقدام به طراحی پرسش‌نامه نمود. برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه، از دیدگاه پنج‌تن از همکاران هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان استفاده شده است.

۲. یافته‌ها

بررسی روایت‌های دانشجومعلمان از تجربه همدلی و مشارکت اجتماعی نشان‌دهنده تأثیرات اجتماعی وسیعی در نگرش و عملکرد آنان بوده است که در جدول زیر مضامین و کدهای استخراجی آن ارائه شده است.

1 . self-monitoring
2 . peer debriefing

جدول ۱-۲ - مقوله‌های اصلی و فرعی و کدهای آثار اجتماعی مشارکت مردمی بر
دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	کدها
تأثیر بر حوزه نگرش اجتماعی	تغییرات دیدگاه و نگرش	شناخت اهمیت و تأثیر مشارکت اجتماعی تغییر دیدگاه در مورد تأثیر کمک و نوع و میزان آن حس احترام نسبت به جامعه ایرانی و افزایش حس تعلق به وطن تغییر دیدگاه در مورد ارتباط سلامت فردی با سلامت اجتماعی قانون‌گرایی درک شرایط اقتصادی دیگر اقشار جامعه و اهمیت پذیرش مسئولیت اجتماعی شناخت اهمیت اتحاد و همدلی و انسجام باور به جوانان و توانمندی‌های آنان
تأثیر بر حوزه عملکرد اجتماعی	قضاوت، ارزشیابی و ارائه راهکار برای عملکرد بهتر	لزوم همدلی و همراهی ملت و دولت لزوم آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی پیش‌بینی و برنامه‌ریزی قبلی سامان‌دهی تشکلهای مردمی
تأثیر بر حوزه عملکرد اجتماعی		تغییر تعاملات اجتماعی همراهی و مشارکت به‌انحاء مختلف با مشارکت مردمی

۲،۱. تأثیرات اجتماعی بر حوزه نگرش

کریمی به نقل از آلپورت^۱ (۱۹۳۵) نگرش را این‌گونه تعریف کرده است: «نگرش یک حالت روانی و عصبی آمادگی است که از طریق تجربه سازمان‌یافته، تأثیر هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد در برابر کلیه اشیا یا موقعیت‌هایی که به آن مربوط می‌شود، دارد» (کریمی، ۱۳۸۲: ۲۲۴). همچنین در تعریفی دیگر به نقل از فریدمن^۲ و همکاران (۱۹۷۳) نگرش را این‌گونه تعریف کرده است: «نگرش نظامی بادوام است

1 . Gordon Allport

2. Otto F. Kernberg

که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل است». (همان، ۲۲۴).

«نگرش دارای چند ویژگی است؛ نخست اینکه هر نگرشی شامل یک شی، شخص، رویداد یا موقعیت است (موضوع نگرش). دوم آن که نگرش‌ها معمولاً ارزشیابانه‌اند، سوم آن که نگرش‌ها معمولاً دارای ثبات و دوام قابل توجهی‌اند» (همان، ۲۲۵). بنابراین می‌توان گفت نگرش ترکیبی است از باورها و هیجان‌هایی که شخص را آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند. همچنین نگرش ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کند و در نتیجه پیش‌بینی رفتارهای آینده را نیز بر عهده می‌گیرد. پس فرایندهایی از قبیل قضاوت و ارزشیابی و مهارت‌های حل مسئله نیز در حوزه نگرش قرار می‌گیرد.

تحلیل داده‌ها بیانگر تأثیرات اجتماعی مشارکت مردمی مدیریت بحران کرونا بر نگرش دانشجویان است. این تغییرات بر اساس تعریفی که از نگرش ارائه شد، در دو مقوله فرعی «تغییرات دیدگاه و نگرش» و «ارزشیابی همدلی و مشارکت اجتماعی و ارائه راهکار برای عملکرد بهتر» تقسیم‌بندی شده است. در ادامه کدهای استخراج شده از داده‌ها ارائه شده است.

۲،۱،۱. تغییرات دیدگاه و نگرش

شناخت اهمیت و تأثیر مشارکت اجتماعی: کد ۱۷ نوشته است: «تأثیر این همدلی‌ها بر نگرش و دیدگاه اجتماعی من باعث شد تا اعتقاد من به موفقیت فعالیت‌های گروهی و جمعی بیشتر شود و سعی کنم تا فعالیت‌های روزمره خود را در قالب فعالیت‌های گروهی سازماندهی کنم و این موضوع را در سایر بخش‌های زندگی خود جاری و ساری کنم». کد ۱۲ نیز با همین مضمون گفته: «من اعتقاد داشتم که بعضی امور اگر به‌تنهایی انجام پذیرد، نتایج بهتری بر جای می‌گذارد و می‌تواند عملکرد بهتری را داشته باشد... اما اکنون به این نتیجه رسیدم که این‌گونه نمی‌شود و قطعاً اگر تلاش جمعی وجود داشته باشد، به‌اندازه همان تلاش‌ها هم موفقیت در پی است».

در مورد تأثیر مشارکت اجتماعی در حل بحران‌های بزرگ کد ۱ این‌طور گفته: «کرونا به ما آموخت که همیشه آن‌طور که می‌خواهیم شرایط پیش نمی‌آید و جامعه دچار بحران‌هایی می‌شود که این بحران‌ها با مشارکت خود اعضای جامعه قابل حل است».

تغییر دیدگاه در مورد تأثیر کمک و نوع و میزان آن: کد ۹ در این زمینه نوشته: «کمک به دیگران لزوماً به معنای خرج مبالغ زیاد نیست، حتی اگر توانایی مالی ندارم، می‌توانم با فعالیت‌های دیگری به کمک‌رسانی مشغول شوم. گاهی یک‌کلام من باعث رویش بذر امید در دیگری می‌شود. در شرایط سخت این قدرت را فراموش نکنم». شرکت‌کننده ۲۵ نوشته: «کمک‌کردن به عدد و رقم نیست. مهم خود کمک‌کردن است و این که کمک اعم از مادی یا غیرمادی وقتی در جامعه از سوی اکثر افراد صورت بگیرد، می‌تواند تأثیر بسیار زیادی داشته باشد». همچنین برخی از دانشجویان در توصیف کمک‌کردن با استفاده از کلماتی که بار ارزشی دارند، جایگاهی معنوی به آن داده‌اند. از جمله کد ۳۴ این‌طور نوشته: «آموختم دستانی که کمک می‌کنند، از دستانی که برای دعا بالا می‌روند مقدس‌ترند. آموختم که وقتی دستی را به یاری می‌گیری، دست دیگری در دست خداست. من آموختم که برای کمک‌کردن به نیازمندان قرار نیست ثروتمندترین فرد دنیا باشم. من می‌توانم با کوچک‌ترین و یا چیز اندکی که دارم، دلی را شاد و جهانی را زیباتر کنم».

حس احترام نسبت به جامعه ایرانی و افزایش حس تعلق به وطن: کد ۳ نوشته: «خوشبختانه مردم فهیم ایران همیشه در لحظات حساس در صحنه حاضر هستند و شاهدهی بر این مدعا، ایجاد گروه‌هایی برای ضدعفونی معابر و نیز گروه‌های داوطلب برای پرستاری از بیماران کرونایی در بیمارستان‌ها است که جان‌برکف و با دیدی مسئولانه نسبت به شرایط و نیازها واکنشی مثبت نشان دادند». کد ۸ نیز با لحنی پرافتخار ایرانیان را چنین توصیف کرده: مردمان ایران زمین مردمانی اصیل، با فرهنگ، خون‌گرم، و آزاده‌اند و برای این مدعا می‌توان از آثار شاعر گران‌قدر، سعدی نمونه پیدا کرد:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند...

البته بعضی شرکت‌کنندگان نیز اذعان کرده‌اند که سابقاً چنین تصویری از میزان کمک احتمالی مردم جامعه نداشته‌اند؛ اما همدلی ملی دیدگاه آنان را تغییر داده است. از جمله کد ۶ گفته: «من ابتدا تصور نمی‌کردم که با وجود این بیماری جدا از کمک‌های نقدی، کمک‌های دیگری صورت بگیرد؛ اما این‌طور نبود و مردم بسیار به هم کمک می‌کردند». همچنین کد ۱۲ نیز با عباراتی مشابه همین مطلب را بیان کرده است: «حقیقتاً حقیر به نوبه خودم فکر می‌کردم که نسل امروزی با نسل گذشته که در زمان

جنگ و جبهه حضور داشت، فرق کرده و اگر اتفاقی بیفتد مردم دیگر به مانند آن زمان‌ها نیستند و نمی‌توانند آن همدلی را بار دیگر به عرصه عمل بیاورند؛ ولی با مشاهده این وقایع در طول این مدت به طور کامل دید بنده تغییر کرد».

شرکت‌کننده ۳۲ با تعبیرکردن از کشور به خانه خود و از هم‌وطنان به اعضای خانواده، همبستگی و کمک‌کردن را در چنین رابطه تنگاتنگی واجب دانسته است و کد ۷ نیز این طور گفته: «ما ملتی شکست‌ناپذیر هستیم و با الهام از گذشته پرافتخارمان می‌توانیم کرونا یا هر مشکلی را شکست دهیم. ما هشت سال دفاع مقدس را داشته‌ایم. شاید بتوان گفت که از دفاع مقدس آموختیم که باید با شیوة جهادگرانه با کرونا مقابله کنیم. جهاد واژه‌ای پررنگ در اجتماع ما ایرانی‌هاست».

تغییر دیدگاه در مورد ارتباط سلامت فردی با سلامت اجتماعی: شرکت‌کننده ۲۶ بر ارتباط تنگاتنگ زندگی شخصی با زندگی اجتماعی، نوشته: «ثابت شد که زندگی ما انسان‌ها بسیار به هم وصل است و ارتقا بهداشت و زندگی و تفکر دیگران در بحث کرونا در واقع به بهبود شرایط زندگی خودمان و به‌طور کلی همه جامعه منجر خواهد شد». شرکت‌کننده دیگری نیز با اشاره به سرنوشت مشترک، بر وظیفه‌ای که همگی در قبال سلامت آحاد جامعه داریم، تأکید کرده است: «کرونا ما را با واقعیت مهم‌تری مواجه کرد و آن سرنوشت مشترک است. سلامت هریک از ما به سلامت دیگران وابسته است و باید در کمک‌کردن به دیگران توجه زیادی داشته باشیم» (کد ۲۳). طبعاً این نگرش، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری را در پی خواهد داشت؛ چنان‌که کد ۱۹ بیان نوشته: «قبل از این دوره شاید این قدر احساس وظیفه در قبال مردم نداشتم؛ ولی در این دوره فهمیدم که اگر قرار است من و خانواده‌ام در آرامش زندگی کنیم؛ دیگران نیز باید این‌گونه باشند».

قانون‌گرایی: یکی از تأثیرات اجتماعی همدلی که حرکتی مردم‌نهاد بود، افزایش تمایل مردم به رعایت قوانین و محدودیت‌های کرونایی بوده است. کد ۲۹ در این باره گفته است: «اکثر مردم نقش و وظیفه خود در جامعه را فهمیدند. این که در نوع عادات روزمره و نحوه تعاملات اجتماعی و سبک زندگی تغییر داشته باشند و اکثر مردم برای حفظ سلامتی خود و دیگران به وظیفه خود عمل کردند».

شرکت‌کنندگان بسیاری اساساً نوع همکاری خود با این حرکت فراگیر مردمی را به صورت رعایت محدودیت‌های کرونایی ذکر کرده‌اند. از جمله شرکت‌کنندگان ۲۵،

۲۱، ۲۲، ۲۸ و ۱۸. برخی از شرکت‌کنندگان نیز مهم‌ترین نقش مشارکت ملی در مهار بحران کرونا را در این مسئله دانسته‌اند که بتواند مردم را تشویق به رعایت محدودیت‌های کرونایی و دستورالعمل‌های بهداشتی مرتبط کند. کد ۲۴ در این مورد نوشته: «به نظر من این حرکت‌های مردمی بهترین کمکی که می‌توانند بکنند این است که با ستاد ملی کرونا که محدودیت‌هایی را ایجاد کرده، کمک و همراهی کنند...».

درک شرایط اقتصادی دیگر اقشار جامعه و اهمیت پذیرش مسئولیت اجتماعی: مشارکت ملی بنا به گفته بسیاری از شرکت‌کنندگان موجب شده آنان شرایط اقتصادی اقشار مختلف جامعه را درک نموده و به اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی واقف شوند. کد ۱۷ در این باره گفته است: «مشارکت مردم موجب شد تا از وضعیت اقتصادی اقشار جامعه، آگاهی بهتری کسب کرده و درک ملموس‌تری از وضعیت کنونی آنان در دوران کرونایی به دست آورم».

بسیاری دیگر از شرکت‌کنندگان بدون ذکر مستقیم این مطلب در گفته‌های خود، این تغییر دیدگاه را با تأکید بر اهمیت درک شرایط اقتصادی اقشار مختلف جامعه در شرایط کرونایی منعکس کرده‌اند که بیانگر تأثیر مشارکت ملی بر دیدگاه آنان در این زمینه است. برای نمونه کد ۱۱ نوشته: «در این شرایط افرادی که حقوق روزمزد دارند، به‌واسطه بیکاری دچار مخاطرات مالی شده‌اند، باید برای آنها و وضعیت معیشت خانواده آنها چاره‌ای اندیشید. این کمک‌ها می‌تواند عاطفی و حتی دلجویی غیرحضور از کسانی باشد که عزیز یا عزیزان خود را از دست داده‌اند. باید یاد بگیریم هرگز بیش از حد نیازمان خرید نکنیم... همچنین از مشاغلی که در این روزها رونق چندانی ندارند، خرید کنیم».

اهمیت اتحاد و همدلی و انسجام: یکی دیگر از تأثیرات اجتماعی مشارکت ملی، آشکارشدن اهمیت اتحاد و انسجام و همبستگی اجتماعی است. برخی از شرکت‌کنندگان مهم‌ترین آموزه این پویا مردمی را همین نکته دانسته‌اند؛ از جمله کد ۵ نوشته: «اصلی‌ترین آموزه اجتماعی که آموختم در مورد همراهی مردم با هم بود که یاد گرفتم هر گاه مردم با هم باشند و به هم کمک کنند، شکست‌ناپذیر خواهند شد...».

کد ۱۳ نیز با بیان این دیدگاه که هر مشکل اجتماعی باید مشکل فرد فرد جامعه محسوب شود و با استناد به شعر معروف سعدی در مورد یک پیکربودن جامعه این طور

نوشته: «مهم‌ترین درسی که من گرفتم این بود که یک‌دست صدا ندارد... کرونا با تمام بدی‌هایی که داشت این نکته را برای شخص من داشت: جوامعی می‌توانند مسیر تعالی و پیشرفت را طی کنند که دل‌هایشان یک‌رنگ باشد... و در برخی جاها باید من را کنار گذاشت و ما شد». کد ۳ معتقد است: «از تأثیرات حرکت همدلانه مردمی در رویارویی با کرونا این است که سبب اتحاد اقوام مختلف ایرانی شد و تأثیر بسیاری بر ایجاد وحدت و هماهنگی بین مردم ایران از نواحی و اقوام مختلف داشت و موجب شد مردم ایران به صورتی متحد در صحنه نیاز حاضر شوند و دغدغه‌مند باشند».

باور به جوانان و توانمندی‌های آنان: کد ۸ گفته است: «از مهم‌ترین آموزه‌های تربیتی نهضت همدلی، باورکردن جوانان و سپردن مسئولیت به آنان بوده است». کد ۹ نیز این‌طور گفته: «اگر جوانان نقش پررنگ‌تری در این پویاها داشته باشند، افراد بیشتری متمایل می‌گردند؛ زیرا جوانان به دلیل انرژی و طراوت خود بخش مهمی از جامعه را تشکیل می‌دهند».

۲،۱،۲. قضاوت و ارزشیابی مشارکت ملی و ارائه راهکار برای عملکرد بهتر

دو سؤال پایانی پرسش‌نامه به تحلیل‌های شخصی دانشجویان از مشارکت ملی و پیشنهادها و راهکارهای آنان برای کارآمدی بیشتر مشارکت‌های مردمی رویارویی با بحران کرونا و رفع نواقص احتمالی، اختصاص یافته بود. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که غالب دانشجویان این مشارکت ملی را با نگاهی تحلیلی - انتقادی نگریسته‌اند. تحلیل‌ها و پیشنهادها آنان را می‌توان در این مضامین تقسیم‌بندی کرد: «لزوم همدلی و همراهی ملت و دولت»، «لزوم آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی»، «لزوم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی قبلی و سامان‌دهی شکل‌های مردمی».

لزوم همدلی و همراهی ملت و دولت: کد ۱ گفته: «دولت می‌توانست در این دوران که بعدها تاریخ از آن یاد خواهد کرد، بسیاری از کارها را برای رفاه حال مردم انجام دهد؛ اما متأسفانه تا به حال بعد از گذشت دو سال خیر...». کد ۹ نیز با انتقاد از میزان حمایت مالی دولت، ضمن مقایسه‌ی ایشارگری اقشار مختلف جامعه این‌طور نوشته: «بزرگ‌ترین لطف دولت به مردم اعطای وام یک‌میلیون‌تومانی بود که به صورت اقساط از مبلغ یارانه کم می‌شود. این برای خانواده‌ای که منبع درآمدی ندارد، چندان خوشایند نیست...». شرکت‌کننده ۳۶ گفته: «باید ارگانی وجود داشته باشد که مستقیماً برای کمک

به شرایط روحی مردم عمل کند. داوطلبان کمک در این شرایط، توسط سازمان خاصی شناسایی شوند و در زمینه‌هایی که مستعد هستند کمک کنند».

لزوم آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی: کد ۱ در این زمینه گفته است: «اگرچه جامعه ایرانی، احساسی و مهربان هستند و قاعدتاً می‌بایست همدلی در این جامعه رواج بسیار زیادی داشته باشد؛ اما متأسفانه گاهی اوقات این احساساتی بودن باعث می‌شد تا ارتباطات عاطفی موجب رعایت‌نکردن پروتکل‌های بهداشتی شده».

بعضی از شرکت‌کنندگان نیز معتقد بودند که میزان رعایت دستورالعمل‌ها توسط مردم در آغاز بهتر بوده؛ اما به مرور زمان کم‌رنگ‌تر شده. از جمله کد ۲۶. کد ۳۵ برخلاف اکثر شرکت‌کنندگان معتقد بود همدلی در جامعه ایرانی کمتر از سایر جوامع بوده است. او با نقد عملکرد جامعه این طور نوشته: «برخی افراد با وجود شرایط وخیم و قرمز کرونایی، مراسم عروسی برگزار می‌کردند، به مسافرت می‌رفتند، مهمانی‌های خانوادگی برگزار می‌کردند... و این‌ها همه نشان از فقر فرهنگی و عدم همدلی کافی مردم ملت ما بود. به‌طورکلی به نظر من در جامعه ایرانی به‌اندازه بقیه کشورها، همدلی نبود». بعضی از شرکت‌کنندگان از جمله کد ۲۹ راهکار حل این مشکل را آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی برای مواجهه با بحران، برجسته‌کردن حرکت‌هایی از قبیل مشارکت ملی و نهادینه‌کردن ارزش‌های اجتماعی از طریق الگوسازی دانسته‌اند.

لزوم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی‌های قبلی: از دیگر مضامین برجسته در تحلیل‌های دانشجویان تأکید بر لزوم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی‌های قبلی برای رویارویی با شرایط بحرانی است. کد ۱۱ با نگاهی منتقدانه درسی را که از بحران کرونا و مشارکت ملی آموخته، چنین بیان کرده است: «یاد گرفتم باید برنامه‌ریزی و مدیریت در حد کلان جامعه به بهترین شکل انجام گیرد و بی‌تدبیری مسئولان چقدر دردآور و خسارت‌بار بود. وقتی کارگران و مشاغل کم‌درآمد تعطیل شدند، هیچ‌کس از آنها حمایت نکرد و گرسنه ماندند».

به اعتقاد برخی از شرکت‌کنندگان یکی از پیش‌بینی‌های بسیار مهم برای شرایط بحرانی، اختصاص بودجه‌ای متناسب، برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است. کد ۲ در این باره گفته: «پیشنهاد می‌شود در صورت بروز بحرانی مشابه، برای حمایت اقشار آسیب‌پذیر و صنف‌هایی که آسیب‌دیده‌اند؛ بودجه متناسبی اختصاص داده شود».

شرکت‌کننده ۲۵ معتقد است یکی از اشکالات موجود در برنامه‌ریزی‌های دولتی برای اجرایی‌کردن محدودیت‌های کرونایی، در نظر نگرفتن بافت بومی و محلی هر شهر بوده است. به اعتقاد این دانشجو «دولت بایستی در برنامه‌ریزی‌های قبلی برای هر شهری، متناسب با توانایی‌ها و نیازها و رسومات خودش پروتکل‌هایی در نظر بگیرد که البته قابل اجرا باشد».

سامان‌دهی تشکل‌های مردمی: سامان‌دهی تشکل‌های مردمی از دیگر مضامین استخراج شده است. بعضی شرکت‌کنندگان معتقد بوده‌اند که تشکل‌ها نباید منحصر به زمان خاصی باشد و باید به صورت سازمان‌یافته، با تقسیم وظایف در حوزه‌های مختلف همواره فعال باشند. از جمله کد ۱۲ گفته: «حرکت‌های خودجوش مردم نباید فقط محدود به زمان‌های بحران شود و در مواقع حساس به کار آید؛ بلکه باید همیشه این حرکت‌ها وجود داشته باشد». علاوه بر این نکته؛ یعنی فعالیت دایمی این تشکل‌ها، پرهیز از موازی‌کاری و لزوم تقسیم وظایف، از دیگر مواردی است که شرکت‌کنندگان در مورد سامان‌دهی حمایت‌های مردمی تأکید کرده‌اند. کد ۳۴ می‌گوید: «به نظر من مؤسسات خیریه می‌توانند با جذب نیروهای علاقه‌مند و نیکوکار، از بین آن‌ها نماینده‌هایی انتخاب کنند. نماینده‌هایی برای حل مشکلات جاری جامعه».

سازمان‌دهی تشکل‌ها از طریق آموزش افراد برای ادامه فعالیت و شناسایی افراد مستعد و نخبه، از دیگر مواردی است که شرکت‌کنندگان به آن اشاره کرده‌اند (۲۰، ۱۷، ۲۸، ۳۲)؛ اما غالب شرکت‌کنندگان صرفاً به سازمان‌یافتن تشکل‌ها و فعال بودن همیشگی آن اشاره کرده؛ در مورد نوع مدیریت این تشکل‌ها، نظری ارائه نداده‌اند. برخی دیگر از شرکت‌کنندگان نگاه خوبی در مورد نظارت دولت بر این تشکل‌ها یا مدیریت دولتی آن‌ها نداشته‌اند. از جمله کد ۱۹ که گفته: «مهم‌ترین عامل موفقیت این نهضت‌ها، غیرمرتبط بودن آنها با هر سازمان و اداره‌ای است. این عامل باعث می‌شود درصد خطا در کار بسیار پایین برود و حق به‌حق‌دار برسد».

لزوم اطلاع‌رسانی با استفاده از شیوه‌های به‌روز و نوین برای جذب حداکثری ظرفیت‌های مردمی، از دیگر موارد استنباط شده از تحلیل‌های برخی دانشجویان بوده است (۳۵، ۱۷، ۳۱).

۲,۲. تأثیر بر حوزه عملکرد اجتماعی

یکی از تغییرات مهم در حوزه یادگیری، تغییر در عملکرد و رفتار است که چون قابل مشاهده و اندازه‌گیری است، از دیدگاه رفتارگرایان، ملاک و میزان واقعی تغییر محسوب می‌شود. تغییرات اجتماعی عملکردی و رفتاری شرکت‌کنندگان بر اساس تحلیل داده‌ها، بیانگر دو دسته کلی «تغییر در تعاملات اجتماعی» و «همراهی و مشارکت در نهضت همدلی» است، که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲,۲,۱. تغییرات تعاملی اجتماعی: به گفته بسیاری از شرکت‌کنندگان مشاهده پیوستن اقشار مختلف به مشارکت ملی مدیریت بحران کرونا بر تعاملات اجتماعی آنان اثر محسوسی گذاشته. کد ۱۶ این‌طور نوشته که: «این حرکت‌های مردمی باعث تقویت روحیه مدیریت اجتماعی من شده و موجب شد تا تعامل بهتر و سازنده‌تری با دیگران برقرار کرده و با اعتماد بیشتری به کارهای خود در سطح اجتماعی بپردازم». کد ۲۳ به افزایش تمایل خود برای شرکت در فعالیت‌های گروهی و همکاری و تلاش برای حل مسائل اشاره کرده، این‌طور نوشته: «حرکت همدلانه مردم سبب شد که حس مسئولیت‌پذیری در برابر دیگران و ارتباطات بین‌فردی و رهایی از احساس تنهایی و طردشدگی در ما ایجاد شود».

۲,۲,۲. همراهی و مشارکت به‌انحاء مختلف با مشارکت مردمی: شرکت‌کننده ۱ همراهی خود با مشارکت ملی را این‌طور توصیف می‌کند: «دید و بازدیدهای عید را کنار گذاشتم، مهمانی رفتن‌ها را لغو کردم، التماس‌های کادر درمان را می‌دیدم و سعی کردم که به توصیه‌هایشان عمل کنم. خیلی از افراد بودند که دوستشان داشتم؛ اما برای حفظ سلامتی‌شان و سلامتی‌ام، فاصله‌گذاری را رعایت می‌کردم».

بعضی از شرکت‌کنندگان نیز به ثبت نام و فعالیت خود در این بسیج مردمی اشاره کرده‌اند. برای نمونه شرکت‌کننده ۲۹ چنین نوشته: «اسم خود را در لیست پایگاه بسیج نوشتم و در نوبت خود در جایی که باید خدمت می‌کردم حضور می‌یافتم و وظیفه خودم را به نحو احسن انجام می‌دادم و همیشه اعتقاد داشتم که باید در شرایط سخت و بحرانی در هر زمینه‌ای که باشد در صف مقدم حضور پیدا کنم».

همچنین طبق مشاهدات دانشجویان، دیگر گروه‌های مختلف جامعه نیز به میزان زیادی، با این حرکت ملی به‌انحاء مختلف همراهی کرده‌اند؛ برای نمونه کد ۲۷ در بیان

مشاهدات خود نوشته: «هر قشر و گروهی به نوبه خود به هم‌وطنانشان کمک می‌کردند چه زنان چه مردان و از هیچ کمکی دریغ نمی‌کردند. از دوخت ماسک گرفته تا ضدعفونی خیابان‌ها، کمک به فقرا و ...».

کد ۲ ضمن اشاره به پوشش‌هایی مردمی که برای حمایت از کادر درمان صورت گرفت، نمونه‌هایی دیگر از همدلی میان گروه‌های اجتماعی را نیز بیان کرده و نوشته: «پوشش‌هایی که برای قدردانی و روحیه دادن به اعضای کادر درمان به وجود آمد تلاش خوبی بود». البته بخشی از این همدلی را باید در رعایت پروتکل‌های بهداشتی جستجو کرد. بخش دیگر این همدلی به روابط اساتید/دانشجویان و معلمان/دانش‌آموزان مربوط می‌شود.

برخی از شرکت‌کنندگان نیز بیشتر بر حمایت‌های خود در زمینه‌های آموزشی؛ اعم از تدریس کتاب‌های درسی و یا ارائه دانش و آگاهی‌های مرتبط با کرونا متمرکز شده‌اند. از جمله کدهای ۱۳، ۱۴، ۱۱ و ۲. برای نمونه کد ۱۳ گفته: «در حیطه آموزش که نیمچه مهارتی داشتم از آن استفاده کردم و به دانش‌آموزان در حد توانم کمک کردم» و کد ۱۴ نوع همراهی خود با این نهضت را شرکت در وینارهای آموزشی و کارهای جهادی ذکر کرده. کد ۲ اقدامات همدلانه خود را این‌طور برشمرده: «سعی می‌کردم همدلی خود را با اقدامات سنجیده نشان دهم؛ یعنی بیشتر سعی می‌کردم برای همدلی با کادر درمان و برای جلوگیری از آسیب دیدن افراد جامعه به رعایت پروتکل‌های بهداشتی مبادرت ورزم. علاوه بر این سعی می‌کردم با دادن آمار فوتی‌ها به افرادی که کرونا را جدی نمی‌گرفتند، آنها را به همراهی با مدیریت بحران تشویق کنم.».

۳. نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها در مورد تأثیرات اجتماعی مشارکت مردمی بر دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان، بیانگر تأثیرات وسیع بر دو حوزه نگرش و عملکرد اجتماعی شرکت‌کنندگان است.

در حوزه نگرش، همدلی و مشارکت مردمی مدیریت بحران کرونا توانسته دیدگاه شرکت‌کنندگان را در مورد اهمیت و تأثیر مشارکت‌های اجتماعی در حل بحران‌های فراگیر تغییر دهد. مشارکت مردمی با جلب و ارائه انواع مختلف حمایت‌ها اعم از آگاه‌سازی تا کمک‌های مادی و مراقبتی، تغییرات عمده‌ای در نگرش دانشجویان نسبت

به میزان ارتباط سلامت فردی با سلامت اجتماعی، نگرش نسبت به نوع حمایت و شکل آن و نگرش نسبت به جامعه و هویت ایرانی ایجاد کرده است. شرکت‌کنندگان به اهمیت سلامت اجتماعی و تأثیر و پیوستگی آن با سلامت فردی تأکید کرده‌اند. همچنین نگرش آنان در مورد این مسئله که حمایت و کمک الزاماً باید به میزان خاص و یا به شکلی خاص باشد، تغییر یافته و به جای آن این دیدگاه ایجاد شده که آن چه اهمیت دارد، نفس همراهی و حمایت است. تحلیل داده‌ها همچنین نشان‌دهنده رشد و تقویت حس ملی‌گرایی و تعلق به وطن و افتخار به هویت ایرانی بسیاری از شرکت‌کنندگان است. غالب دانشجویان از لحنی توأم با احترام، برای توصیف مشارکت مردمی استفاده کرده‌اند و خرسندی خود را از تعلق به جامعه ایرانی بیان کرده‌اند. همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که در ساختار تجربه دانشجویان شرایط کرونایی همانند شرایط جنگ هشت‌ساله درک و احساس شده است. شرکت‌کنندگان ضمن مقایسه دوران کرونا با شرایط جنگ هشت‌ساله بعضاً از واژه‌هایی با بار ارزشی برای توصیف شرایط کرونایی استفاده کرده‌اند و اتحاد و انسجام و مشارکت اجتماعی در مدیریت بحران کرونا را تکلیف و وظیفه‌ای ملی برای حفظ اقتدار و جایگاه کشور دانسته‌اند.

در حوزه ارزشیابی، شرکت‌کنندگان این حرکت مردمی را با دیدی تحلیل‌گرانه نگریسته، از میزان همراهی دولت با مشارکت ملی انتقاد کرده‌اند. به اعتقاد آنان، دولت باید از کلیه آحاد جامعه، خصوصاً اقشار آسیب‌پذیر حمایت بیشتری می‌کرد. بعضی شرکت‌کنندگان با مدنظر قراردادن احتمال افزایش آسیب‌های روحی - روانی در شرایط بحرانی، بر لزوم تأسیس ارگان‌هایی جهت شناسایی آسیب‌ها و ارائه پشتیبانی‌های عاطفی و روانی تأکید کرده‌اند. می‌توان گفت انتقاد تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان از عملکرد دولت و سازمان‌های دولتی، نشان‌دهنده نگرش و احساس رایج در میان بخش قابل توجهی از جامعه است. همچنین بخشی از شرکت‌کنندگان، سنت‌های نادرست و رفتارهای ناشی از ناآگاهی فرهنگی بخشی از جامعه را مورد انتقاد قرار داده‌اند. سامان‌دهی تشکل‌های مردمی از دیگر پیشنهادها شرکت‌کنندگان برای مدیریت بهتر بحران بوده است. هر چند تعدادی نیز موفقیت این گونه مشارکت‌های اجتماعی را در دولتی نبودن آن دانسته‌اند. این نگرش حاکی از بدبینی نسبت به عملکرد ارگان‌های دولتی است.

در حوزه عملکرد اجتماعی، همراهی به‌انحاء مختلف با مشارکت ملی مدیریت بحران کرونا و همکاری برای حل مسائل، و برقراری تعاملات سازنده اجتماعی از تغییرات عملکردی شرکت‌کنندگان بوده است. بخشی از دانشجومعلمان با ثبت‌نام در پایگاه‌های مردمی مدیریت بحران کرونا، مسئولیت‌هایی را به عهده گرفتند و همراهی بخشی دیگر، به‌صورت رعایت محدودیت‌های کرونایی، مراقبت از سلامتی خود و دیگران، فعالیت اجتماعی گسترده در فضای مجازی از جمله ارائه حمایت‌های آموزشی، آگاهی‌بخشی در مورد کرونا و شیوه‌های مراقبت از خود و دیگران و... بوده است. در مجموع می‌توان گفت پویای مردمی رویارویی با کرونا، بر دانشجویان دانشگاه فرهنگیان اثرات اجتماعی متنوعی داشته است. این مشارکت ملی از سویی موجب افزایش اعتماد و همبستگی اجتماعی و قانون‌مندی دانشجومعلمان شده، باور به توانایی‌ها و قابلیت جوانان در مدیریت بحران را افزایش داده و حس مسئولیت‌پذیری را در آنان تقویت کرده؛ اما از سویی دیگر مقایسه عملکرد مردم با عملکرد دولت، موجب نارضایتی از عملکرد دولت وقت در مدیریت بحران و ارائه حمایت و پشتیبانی لازم و کافی از اقشار مختلف جامعه شده است.

بی‌شک هر پژوهشی دارای محدودیت‌های مختلفی است. یکی از محدودیت‌های پژوهش‌های کیفی قابل‌تعمیم نبودن نتایج آن است. همچنین از دیگر عواملی که تعمیم‌پذیری نتایج در پژوهش‌های کیفی را دشوار می‌کند، محدود بودن جامعه آماری آن است. با توجه به تفاوت‌هایی که میان جامعه آماری با دیگر گروه‌ها وجود دارد، نتایج مربوط به گروه هدف قابل‌تعمیم به دیگر گروه‌ها نیست. علاوه بر محدودیت‌های ذکر شده که به رویکرد پژوهش مربوط می‌شد، یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش به ابزار مورد استفاده؛ یعنی پرسش‌نامه تحقیق برمی‌گردد. در انجام پژوهشی پدیدارشناختی، گفتگو و مصاحبه با شرکت‌کنندگان با توجه به امکان توضیحات بیشتر و رفع سوء تفاهم‌های احتمالی و همچنین مشاهده زبان بدنی مصاحبه‌شونده و دیگر نشانه‌های غیرزبانی، می‌تواند به پژوهشگر در جمع‌آوری دقیق‌تر داده‌ها کمک کند؛ ولی در این پژوهش به دلیل شرایط کرونایی و نبود امکان مصاحبه با دانشجویان، از پرسش‌نامه استفاده شده. این امر می‌تواند در دقت داده‌ها تاثیر گذاشته باشد. همچنین محقق به‌ناچار برای جمع‌آوری روایات دانشجومعلمان از پرسش‌نامه بازپاسخ استفاده

کرد که باتوجه به نوع و تعداد سوالات، امکان خستگی و بی‌حوصلگی و نهایتاً بی‌دقتی مشترکان در پاسخگویی را نباید نادیده گرفت. از سوی دیگر باتوجه به هدف‌مند بودن جامعه آماری و انتخاب دانشجو معلمان توسط استادان برای شرکت در این تحقیق، ممکن است نگرانی‌هایی برای بعضی شرکت‌کنندگان در مورد تأثیر در مسائل گزینشی و استخدامی وجود داشته که در ارائه پاسخ‌ها و نظرات واقعی آنان تأثیر گذاشته باشد. محدودیت دیگر در انجام پژوهش حاضر، نبود پیشینه تحقیقاتی کافی در زمینه مورد نظر بود؛ به طوری که نه تنها هیچ پژوهشی که به بررسی تجربه زیسته مشارکت مردمی در مدیریت بحران کرونا پرداخته باشد، مشاهده نشد؛ بلکه حتی هیچ اثری که با رویکرد پدیدارشناسی تجربه زیسته طیفی از جامعه در مدیریت مردمی هر بحران بزرگ و فراگیر دیگری را مورد بررسی قرار داده باشد نیز یافته نشد.

منابع

- آقابخشی، حبیب؛ راشدی، اسماعیل. (۱۳۹۳). *حمایت اجتماعی و مقابله با بیماری سرطان*. پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی. پاییز ۱۳۹۱. ۱-۳۸.
- جاودانی، حمید. (۱۳۹۲). *نقش‌آفرینی دانشگاه در فرایند توسعه پایدار از رهگذر تولید سرمایه اجتماعی*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۶(۱)، ۵۵-۸۰.
- حیدری ساربان، وکیل. (۱۳۹۴). *بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه ساکنان محلی، مطالعه موردی: ازومدل شمالی، شهرستان ورزقان*. دانش‌پیشگیری و مدیریت بحران. ۵ (۴)، ۲۸۶-۲۹۶.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا. (۱۳۹۹). *زندگی در قرنطینه خانگی: واکاوی تجارب روان‌شناختی دانشجویان در همه‌گیری کووید-۱۹*. مجله طب نظامی، ۲۲(۲)، ۱۳۰-۱۳۸.
- خلیلی، محسن؛ اناری نژاد، عباس؛ رنجبر، نگار. (۱۴۰۰). *تاملی بر تجربه زیسته دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان در ایام کرونا*. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. شماره ۲۷، ۲۹-۳۶.
- رمضانلو، مهرزاد؛ درتاج، فریبرز. (۱۳۹۵). *پیش‌بینی عادات زندگی کودکان با آسیب جسمی حرکتی بر اساس سرمایه روان‌شناختی و حمایت اجتماعی ادراک شده مادران آنها*. فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی. دوره ۶، شماره ۲۴، ۵۷-۸۰.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان. چاپ سوم.
- ظفری، حسین؛ ولی‌پور، محمد. (۱۴۰۰). *بررسی مشارکت گروه‌های مردمی در مدیریت بحران کرونا*. مدیریت بحران در وضعیت‌های اضطراری. دوره ۱۴ شماره ۱۱. ۱ - ۴۳.
- عینی، ساناز؛ عبادی، متینه؛ ترابی، نغمه. (۱۳۹۹). *تدوین مدل اضطراب کرونا در دانشجویان بر اساس حس انسجام و تاب‌آوری: نقش میانجی حمایت اجتماعی ادراک شده*. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۱۱ (۴۳)، ۱-۳۲.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: نشر جامعه ایرانیان.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۲). *روان‌شناسی اجتماعی*. ویرایش سوم. تهران: نشر ارسباران. چاپ دوازدهم.
- موسایی، میثم و ملیحه شیانی. (۱۳۸۸). *مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران*. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۱۰. شماره ۳۸. ۲۴۶ - ۲۶۸.
- نوروزی، فیض‌الله؛ بختیاری، مهناز. (۱۳۸۸). *مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن*. راهبرد. شماره ۵۳. ۲۴۹ - ۲۶۹.
- Barrios, J. M., Benmelech, E., Hochberg, Y. V., Sapienza, P., & Zingales, L. (2021). *Civic capital and social distancing during the Covid-19 pandemic*. *Journal of public economics*, 193, 104310.
- Cheng, Y., Yu, J., Shen, Y., & Huang, B. (2020). *Coproducing responses to COVID-19 with community-based organizations: lessons from Zhejiang province, China*. *Public Administration Review*, 80(5), 866-873.
- Christensen, T., & Lægreid, P. (2020). *Balancing governance capacity and legitimacy: how the Norwegian government handled the COVID-19 crisis as a high performer*. *Public Administration Review*, 80(5), 774-779.
- Dave, D. M., McNichols, D., & Sabia, J. J. (2021). *Political violence, risk aversion, and non-localized disease spread: Evidence from the us capitol riot (No. w28410)*. *National Bureau of Economic Research*.

- Falk, K. (2013). *Preparing for disaster: A community-based approach*. Copenhagen: Danish Red Cross Press, 21(8), 114-126.
- Fiorillo, A., & Gorwood, P. (2020). *The consequences of the COVID-19 pandemic on mental health and implications for clinical practice*. *European psychiatry*, 63(1), e32.
- Girard, J. F., Lalande, F., Salmi, L. R., Le-Bouler, S., & Delannoy, L. (2006). *Rapport de la mission devaluation et d'expertise de l'aveille sanitaire en France*. France: Sante Publique.
- Li, J. B., Yang, A., Dou, K., Wang, L. X., Zhang, M. C., & Lin, X. Q. (2020). *Chinese public's knowledge, perceived severity, and perceived controllability of COVID-19 and their associations with emotional and behavioural reactions, social participation, and precautionary behaviour: a national survey*. *BMC Public Health*, 20(1), 1-14.
- Moon, M. J. (2020). *Fighting COVID-19 with agility, transparency, and participation: Wicked policy problems and new governance challenges*. *Public administration review*, 80(4), 651-656.
- Betty, P., & North Carol, S. (2020). *Mental health and the Covid-19 pandemic*. *New England Journal of Medicine*, 383(6), 510-12.
- Putnam, R. (1993). *The prosperous community: Social capital and public life*. *The american*, 4.
- Rahman, M. (1993) *People's Self- Development: Perspectives on Participatory Action Research: A Journey Through Experience*, London: Zed Books
- Riege, A. M. (2003). *Validity and reliability tests in case study research: a literature review with "hands-on" applications for each research phase*. *Qualitative market research: An international journal*, 6(2), 75-86.
- Shaw, R., Kim, Y. K., & Hua, J. (2020). *Governance, technology and citizen behavior in pandemic: Lessons from COVID-19 in East Asia*. *Progress in disaster science*, 6, 100090.
- Traoré, B. B., Kamsu-Foguem, B., Tangara, F., & Tiako, P. (2018). *Software services for supporting remote crisis management*. *Sustainable cities and society*, 39, 814-827.
- Van Manen, M. (1990). *Researching Lived Experience*. New York: State University of New York Press.
- Wilson, G. A. (2013). *Community resilience social memory and post-2010 Christchurch* (New Zealand) earthquakes. *Area*, 45(2), 207-215.

- Ye, Z., Yang, X., Zeng, C., Wang, Y., Shen, Z., Li, X., & Lin, D. (2020). *Resilience, social support, and coping as mediators between COVID-19-related stressful experiences and acute stress disorder among college students in China*. *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 12(4), 1074-1094.
- Yu, H., Li, M., Li, Z., Xiang, W., Yuan, Y., Liu, Y & Xiong, Z. (2020). *Coping style, social support and psychological distress in the general Chinese population in the early stages of the COVID-19 epidemic*. *BMC psychiatry*, 20(1), 1-11.